

تأثیر اوضاع اجتماعی دوران ساسانی بر شکل‌گیری اندرزهای دینی^۱

نسرین اصلانی*

زهره زرشناس**

چکیده

اردشیر بابکان پایه‌گذار سلسله ساسانی، به جای حکومت ملوک الطوایفی اشکانی، حکومتی را در ایران بنا نهاد که تمرکز در حکومت، وحدت تمام بخش‌های ایران و برقراری دین زردشتی به عنوان کیش رسمی ایرانیان را با خود به همراه داشت. در پژوهش حاضر کوشیده شده است پس از بررسی ساختار جامعه ساسانی از لحاظ اجتماعی و مذهبی، ادبیات و اندرزهای آن دوره مورد مطالعه قرار گیرد و با ذکر نمونه، محتوای اندرزهای دینی و حکمت عملی و تجربی فارسی میانه عهد ساسانی بررسی شده و به ارتباط و تأثیر اوضاع اجتماعی پادشاهان ساسانی و موبدان بر نوع و محتوای اندرزها پرداخته شود. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای - اسنادی است و حجم نمونه، تمام اندرزهای زبان پهلوی ساسانی را شامل می‌شود که چند نمونه از آن‌ها برگزیده و سپس ترجمه شده‌اند. هدف از نگارش این مقاله اثبات تأثیر جامعه دین محور ساسانی بر نوع اندرزهای این دوره است.

کلیدواژه‌ها: جامعه ساسانی، دین محوری، متن‌های اندرزی، اندرزهای دینی، اندرزهای حکمت عملی و تجربی.

* دانش‌آموخته مقطع دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،
nasrin_aslaani@yahoo.com

** دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، عضو هیئت علمی و استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(نویسنده مسئول)، zzarshenas@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

در فرمانروایی ساسانیان، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران دستخوش تغییر و تحول بود و این مسئله در شکل سازمان و تشکیلات حکومتی تأثیر داشت. به نظر می‌رسد ساسانیان تمرکز قوا را از هخامنشیان به ارث برده و برای حفظ این قدرت و تمرکز آن، ساختار حکومت خود را بر پایه اتحاد دین و دولت شکل دادند؛ اما باید گفت قدرت سلطنت وقتی به اوج می‌رسید که قدرت نجبا و روحانیان زردشتی کاستی می‌گرفت و زمانی در نقطه ضعف بود که قدرت و حاکمیت در دست اشراف و موبدان قرار داشت. این کشش و کوشش پیوسته بین دو طرف جریان داشت (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱). با این حال سازمان اجتماعی ایران در روزگار ساسانیان به تدریج نظم گرفت و رشد و تکامل یافت (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۷). ساسانیان تمام قوانین و اصول شهروندی را به صورت مدرن و تعریف شده به اجرا در آوردند و آن را در اداره کشور به کار بردند. طبق کتیبه‌های بازمانده از شاهان ساسانی می‌توان مردم ایران در این دوره را به طبقه‌های اصلی اشراف، دیران، روحانیان، ارتشتاران و عامه مردم تقسیم کرد که هر یک از طبقات یاد شده خود به گروه‌های کوچک‌تری با سطوح معین تقسیم می‌شدند.

شاهان ساسانی دین زردشتی را به عنوان دین رسمی کشور برگزیدند و برای از پای درآوردن دین مسیح و مانی و فرقه اجتماعی مزدک، قدرت و اختیار تام به روحانیان و موبدان زردشتی اهدا نمودند و آنان با کمک دیران دست به جمع‌آوری و کتابت اوستایی نمودند که تا آن روز فقط به صورت شفاهی و سینه به سینه توسط موبدان در جامعه حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شد.

به جز کتیبه‌های شاهان ساسانی که به فرمان مستقیم آنان بر روی سنگ‌ها نگاشته می‌شد، نوشته‌های بسیاری از این دوره باقیست که حضور دیران و نقش آنان را در نگارش یا گردآوری و نگهداری متن‌ها نشان می‌دهد. در میان نوشته‌های این عهد بخش مهمی به متن‌های اندرزی اختصاص می‌یابد. اهمیتی که ادبیات اندرزی در دوران ساسانی داشته سبب گردیده است تا این‌گونه سخنان کوتاه و پندآمیز علاوه بر کتاب‌ها بر صخره‌های عظیم، بناهای بزرگ، حاشیه لباس‌ها و فرش‌ها، کنار سفره‌ها یا در میان ظرف‌ها به جای نقش و نگار یا در ضمن نقش و نگار آورده شود.

این پژوهش شامل دو بخش است: در بخش نخست جامعه ساسانی از بعد اجتماعی، سیاسی و دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دلیل نامرتب بودن سیاست خارجی و

جنگ‌های دولت ساسانی با محتوای اندرزهای این دوره، به این مبحث اشاره‌ای نخواهد شد. در بخش بعدی اندرزهای این دوره که مطابق با شرایط اجتماعی عهد ساسانیان به نگارش درآمده است؛ بیان می‌شود و در پایان نیز تاثیر اوضاع اجتماعی بر شکل‌گیری اندرزهای عهد ساسانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۱ فرضیه‌های پژوهش

۱. اندرزهای دینی دوره ساسانی برپایه کتاب دینی زردشتیان (اوستا) نگاشته شده است.
۲. شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی دوران ساسانی تاثیر مستقیم بر محتوای اندرزهای آن دوره دارد.

۲.۱ پیشینه تحقیق

مطالعات مربوط به پادشاهی ساسانی را می‌توان به دو بخش ذیل تقسیم کرد: ۱- مطالعات و تحقیقات مربوط به جامعه و فرهنگ ساسانی مانند: ایران در زمان ساسانیان (کریستن سن ← ۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام (گیرشمن ← ۱۳۷۲)، ساسانیان (وستا سرخوش و دیگران ← ۱۳۹۲)، امپراتوری ساسانی (دریابی ← ۱۳۹۲) و ۲- مطالعات مربوط به ادبیات، متن‌ها و اندرزهای باقی مانده از این دوره مانند زبان فرهنگ اسطوره- مجموعه مقالات (آموزگار ← ۱۳۸۷)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (تفضلی ← ۱۳۷۶)، مینوی خرد (تفضلی ← ۱۳۹۱)، یادگار زریران (آموزگار ← ۱۳۹۲)، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی - پارتی (عریان ← ۱۳۸۲)، دینکرد ششم (میرفخرایی ← ۱۳۹۲)، و نیز آوانویسی و ترجمه متن‌های فارسی میانه مانند (Dhabhar ← ۱۹۱۳)، (Jamasp- Asana ← ۱۹۱۱)، (Nyberg ← ۱۹۷۴)؛ اما تا کنون تحقیق منسجمی بر روی تاثیر اوضاع اجتماعی دوره ساسانی بر شکل‌گیری اندرزهای این دوره صورت نگرفته است.

۲. مباحث اصلی

۱.۲ اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران در عصر ساسانیان

دوران استیلای ساسانیان یکی از طولانی‌ترین و اثرگذارترین ادوار بر فرهنگ و تمدن ایرانی است؛ زیرا ساسانیان توانستند همه قوانین و اصول شهروندی و... را به صورت مدرن و در

ساختار تعریف شده به اجرا در آورند. به یقین این قوانین می‌بایست براساس اصول تعریف شده و ثابتی وضع می‌شدند. این اصول می‌توانستند برگرفته از عرف، سنت، اسطوره و مذهب باشند و یا از مبانی عقلی سرچشمه گرفته باشند. «در دوره ساسانی، شهروندی، با طبقه اجتماعی، جنسیت، وابستگی مذهبی و قومی ارتباط نزدیکی دارد. این گستره وسیعی از حقوق مدنی را شامل می‌شود که از ویژگی‌های اصلی تشخیص سطوح مختلف جامعه در این دوره است از نظر اجتماعی و قانونی یک فاصله وسیع، اشرافیت ایرانی را از رده‌های پایین‌تر جدا می‌کند و اقشار مختلف در اشرافیت ساسانی در لباس، درجه و ثروت منعکس می‌شوند» (shaki, 2011: 652). اصطلاح فارسی میانه برای شهروند، *šāh bandag* به معنای بنده پادشاه پادشاهان است که به زمان هخامنشی می‌رسیده است و در ارتباط با همه ساکنان و آزاد مردان قلمرو بدون هیچگونه تمایزی از رده یا طبقه اطلاق می‌شود (shaki, 2011: 653).

از منابعی که می‌توان درباره معرفی ساختار اجتماعی ساسانیان به آن اشاره کرد عبارتند از: سنگ‌نوشته‌های شاهان ساسانی^۲ به همراه سنگ‌نوشته‌های برجای مانده از کرتیر (موبد ساسانی)، متن‌ها، اندرزنامه‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های برجایمانده از دوران ساسانی مانند اردشیر بابکان، اندرزهای انوشیروان و آذرباد مهراسپندان، و کتاب‌هایی مانند عهد اردشیر، شاهنامه فردوسی.

۲.۲ آغاز حکومت ساسانیان

با پیروزی اردشیر بابکان بر اردوان پنجم اشکانی، اردشیر به‌عنوان حافظ سنت‌های روزگار هخامنشیان بر تخت نشست و تاج شاهنشاهی ایران را بر سر گذاشت و سلسله ساسانی شکل گرفت.^۳ و تمامی سلطنت او صرف توسعه قدرت و مبارزه با مخالفان شد (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۲). اردشیر اول، تمرکز استواری در تشکیلات کشور پدید آورد و موجب عظمت دولت ساسانی گردید و نشانه این عظمت آن است که بسیاری از پادشاهان ساسانی توانسته‌اند جانشینان خود را انتخاب نمایند.

خاندان ساسانی از وقتی عنوان سلطنت را هم بر منصب روحانی خود افزود؛ برای حفظ حیثیت و اعتبار خویش لازم دید که نژاد و تبار خود را به هخامنشیان برساند^۴ و نیز دین و دولت را لازم و ملزوم یکدیگر اعلام کند (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۸) تصویرهای موجود در نقش رجب و نقش رستم در پارس و نزدیک آرامگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی، پیکر او را

در حالی که از سوی هرمزد به شاهنشاهی منصوب شده است ارائه کرده و اتحاد دین و دولت را در وجود اردشیر بابکان نشان می‌دهد. اعلام این اتحاد سبب جلب اعتماد زردشتیان به حکومت جدید شد و در واقع نمونه‌ای از تدبیر اردشیر بود که سبب تثبیت موقعیت او گردید. ازین رو می‌توان گفت تمرکز و وحدت پادشاهی ساسانیان در عهد اردشیر و پس از آن به وسیله آیین زرتشت تضمین و تحکیم شد. پس از آن و در زمان شاهنشاهی شاپور اول (پسر و جانشین اردشیر) می‌توان به ظهور مانی اشاره کرد که نشان از تحول در اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن عصر و تمایل شاپور به تغییر و اصلاح دارد.

همچنین تقسیمات حکومتی دوره ساسانی را در سنگ نوشته‌های برج مانده از این زمان می‌توان دید. در بند ۶ و ۵ سنگ نوشته شاپور اول (۲۴۰ تا ۲۷۲ م) در نزدیکی حاجی آباد^۱ گروه‌هایی از طبقه اشراف که فرمانروایی کشور بزرگ ساسانی را پس از شاهان بر عهده داشتند؛ معرفی شده‌اند: «هنگامی که این تیر را افگندیم، پس پیش شه‌ریاران و شاهزادگان و بزرگان و آزادگان افگندیم.» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). گروه‌های چهار گانه‌ای که در مراسم تیراندازی شاپور طبق این کتیبه حضور داشته‌اند عبارتند از شه‌ریاران، شاهزادگان، بزرگان و نجبا؛ که خود شامل صاحب منصبان کشوری، وزرا، رؤسای ادارات شاهنشاهی و سایر خاندان پادشاهی بودند (کریمیان، ۱۳۹۳: ۵۵: ۳) و آزادان یا نجبای کوچک و زمین داران یا رؤسای دهکده‌ها که مسئول گرفتن مالیات از روستاها بودند.

۳.۲ جانشینان شاپور اول

پادشاهی در ایران دوره ساسانی موروثی بود و ولیعهدی به بزرگترین پسر می‌رسید و آنگاه که وارث مستقیمی وجود نداشت. موبدان و نجبا، شخصی از اعضای خاندان شاهی را به پادشاهی بر می‌گزیدند (دورانت، ۱۳۷۳: ۱۷۴: ۴). اما پس از مرگ شاپور اول پسرش هرمزد اردشیر (هرمزد اول) که پسر بزرگ شاپور نبود؛ به دلیل صفات جنگی اش بر جای او نشست. «هرمزد سیاست شاپور را در تسامح نسبت به ادیان و در محدود کردن قدرت نجبا و موبدان ادامه داد و همین بهانه‌ای شد که بزرگان ناراضی خیلی زود او را از سلطنت برکنار کردند» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۲۷) با این وجود هرمزد اول، به کتیر نیز علاقه نشان داده و با اعطای منصب و کلاه و کمر او را در ردیف بزرگان قرار داده است.

با روی کار آمدن بهرام اول وضعیت مانویان دگرگون شد و قدرت کتیر افزایش یافت به گونه‌ای که این موبد در احیای دین مزدیسنی و تقویت نفوذ موبدان، کیش مانی و دیگر

ادیان غیر زردشتی را مورد تعقیب و سرکوب قرار داد و سرانجام قتل مانی را سبب شد وی در کتیبه کعبه زردشت^۱ به خود می‌بالد که پیروان دیگر کیش‌ها را سرکوب کرده‌است. و در پایان بیان می‌دارد که:

در آنجا نیز به فرمان شاهان شاه، آن مغ مردان و آتشکده‌ها را که در آن شهرها بودند بازسازی کردم... من دین مزدیسن و مغ مرد خوب را در شهر محترم و دارای ارج کردم... برای بسیاری آتشکده‌ها و مغان سند و وقف نامه (ایجاد) کردم و به پشت (گرمی) ایزدان و شاهان شاه و از کرده من در ایران شهر بسیاری آتش بهرام نشانده شد (کتیبه کرتیر در کعبه زردشت، بند ۱۲-۱۴).

در سنگ نگاره‌ای که از بهرام اول (۲۷۳-۲۷۶م) در نزدیکی روستای سراب از توابع نورآباد فارس باقی مانده است؛ پادشاه ساسانی را در میان چهار تن از شخصیت‌های برجسته مملکتی نشان می‌دهد که به ترتیب در دو طرف بهرام قرار گرفته‌اند و بر طبق مطالعه و بررسی پیکرشناسان این چهار نفر عبارتند از ۱- رهبر مذهبی یا موبدان موبد ۲- فرمانده کل قوا یا سپهسالار ایران (ایران سپاهبد) ۳- صدراعظم (بزرگ فرمان‌دار) و ۴- رئیس طبقه پیشه‌وران یا تجار (هوتخشان بد) (سرافراز، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

در پادشاهی بهرام دوم، کرتیر به عنوان نماینده نهاد دین، قدرت و نفوذ افزون‌تر یافت و سرپرستی آتشکده اناهید استخر نیز از خانواده شاهی به شخص او انتقال داده شد و گمان می‌رود به همین دلیل کرتیر در کتیبه نقش رجب، معراج خود را شرح می‌دهد.^۷

در هر حال اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی [نه توسط اردشیر بلکه] به دست کرتیر انجام می‌گیرد او گام به گام راه پیشرفت را می‌پیماید تا آنجا که چهار کتیبه‌ای که مطالب آن تقریباً همسان هستند را در راستای همین سیاست به نگارش در می‌آورد^۸ (تفضلی، ۱۳۷۰: ۷۲۴).

پس از بهرام دوم، دوره پادشاهی نرسی مرحله تسامح دینی در قلمرو شاهنشاهی ساسانی بود که تا دوران فرمانروایی شاپور دوم ادامه یافت (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۴۰). ستاره بخت کرتیر نیز با مرگ بهرام دوم رو به افول نهاد چنانچه در کتیبه نرسی در پایکولی از او تنها با عنوان کرتیر هرمزد موبد نام برده شده است.

پس از نرسی، هرمزد دوم و پسرش آذر نرسی بر تخت تکیه زدند و پس از آن بزرگان قدرت واقعی و زمام امور را در دست داشتند و سلطنت را به فرزند هرمزد دوم که شاپور

نام داشت؛ سپردند که تاریخ او را شاپور دوم یا شاپور ذوالاکتاف می‌شناسد (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۳۱). پس از اردشیر

شاپور، دین زردشتی را به عنوان دین رسمی و دین ملی پذیرفت و مفهومی جدید از ایران و ایرانی بودن را شکل داد. در واقع از آن پس ایرانی و مزدیسنی در یک معنا به کار می‌رفت و سازمان دینی زردشتی خود را هم‌طراز دولت و دربار ساسانی تلقی می‌کرد. در این دوره آذرباد مهراسپندان^۹ جایگاه ویژه‌ای در دستگاه حاکمیت ساسانی به دست آورد. سیاست مشترک شاپور دوم و آذرباد مهراسپندان با تقویت اتحاد دین و دولت، ایران را در یک مرحله بحرانی، وحدت دوباره بخشید از این رو وظایفی که بر عهده دین مردان زردشتی و در راس آن‌ها آذر باد مهراسپندان نهاده شد؛ کم ارزش تر از وظایف دولت مردان و سپاهیان ساسانی نبود. به تعبیری دین مردان زردشتی به اندازه‌ای اهمیت یافتند که خود را شریک تاج و تخت می‌دانستند (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۵۱۳: ۲).

در این میان آذرباد مهراسپندان، پیشوای سازمان دینی زردشتی و موبدان موبد عصر، تحولات مهمی را پایه‌گذاری و سامان‌دهی کرد^{۱۰}: از جمله این که برای کم کردن از فشار تبلیغات مسیحیان و مانویان مبنی بر اینکه زردشتیان را صاحب کتاب آسمانی نمی‌دانستند؛ اوستا مکتوب شد و الفبای اوستایی یا دین دبیره ابداع گردید و به همین دلیل نام آذرباد مهراسپندان در کنار نام‌هایی چون خسرو انوشیروان و پشوتن به عنوان آراستاران و آورندگان دین آمده است^{۱۱}.

پس از مرگ شاپور دوم، اردشیر دوم راه تسامح در امور دینی را پیش گرفت و تلاش‌های او در جهت محدود کردن قدرت و نفوذ موبدان بی‌ثمر ماند و سرانجام به دست آنان برکنار شد تا در نهایت نوبت به پادشاهی یزدگرد اول رسید که

صلح دوستی و تسامح مذهبی‌اش موبدان و هیریدان را که با اعطای آزادی به ادیان غیر زردشتی مخالف بودند؛ علیه وی برانگیخت و از این رو یزدگرد در روایات کهن ایرانی با نام بزه‌گر و فریبکار خوانده شده است (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۴۵).

پس از او سلطنت بهرام پنجم موافق نظر موبدان درآمد و بهرام زمام امور را به دست بزرگان سپرد پس از او، پسرش یزدگرد دوم جانشین او شد که نسبت به ادیان دیگر و به خصوص مسیحیان تسامح نشان می‌داد. پس از مرگ یزدگرد، هرمزد سوم، پیروز اول و قباد در دوره‌ای از هرج و مرج بر تخت نشستند. «در فرمانروایی قباد، موبدی زردشتی به نام مزدک توجه قباد را به خود جلب و او را تشویق به اصلاحاتی کرد که از اصول اعتقادی

مذهب پذیرفته شده و نظم اجتماعی حاکم فراتر می‌رفت» (دریایی، ۱۳۹۲: ۸۵) و بیشتر نوعی اعتراض به جامعه طبقاتی ساسانی بود و نشان از نارضایتی عوام داشت. قباد با استفاده از عقاید مزدک توانست قدرت اشراف و اعیان، زمین داران بزرگ و روحانیان را که در آن زمان در تمام امور حکومتی دخالت می‌کردند؛ تضعیف کند که سرانجام قباد توسط همین اشراف و روحانیان دستگیر و برکنار شد.

خسرو اول با لقب انوشیروان طبق وصیت قباد و تأیید نجبا و موبدان بر تخت نشست و با انجام اصلاحاتی به برقراری نظم و امنیت در کشور پرداخت. وی با وجود سرکوب شورش مزدکیان، نسبت به ادیان قلمروش تسامح داشت و در روایات مربوط به روزگار او، اخباری درباره تعقیب و سرکوب پیروانش دیده نمی‌شود (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۸۶). دوران خسرو انوشیروان اوج توسعه کشوری در جهت تحکیم پایه‌های قدرت شاهنشاه، دربار و دستگاه سلطنت بود. وی قدرت اشراف، خاندان‌های بزرگ، موبدان و سرداران بلندپایه سپاه را محدود کرد و اعمال ایشان را تحت نظارت خود درآورد (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۷). اصلاح بزرگ مالی نیز در زمان وی نقطه عطفی در تاریخ بودجه ساسانی بود و تمام درآمد مالیاتی در اختیار شاه قرار گرفت. اصلاح مالیاتی آغازی به شمار می‌آمد برای ایجاد دولتی نو که هدف خسرو انوشیروان بود (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

در این دوره روحانیان نه تنها مجری اعمال دینی بودند بلکه آموزش آداب دینی بر جامعه را نیز بر عهده داشتند و از آن جا که وظایف روحانیان زردشتی به ویژه در قضاوت و تنظیم عقود و قراردادهای تا حد قابل توجهی با وظایف مستخدمان دستگاه دیوانی (دبیران) در آمیخته بود این دو گروه را می‌توان در یک طبقه قرار داد. تمرکز وحدت در کشور، جمع آوری آگاهی‌های دقیق و مکتوب از اوضاع کشور، گردآوری مالیات و برپایی عدالت از جمله وظایف دستگاه دیوانی وسیع، دقیق و بسیار پیچیده دوره ساسانی بود.

پس از خسرو انوشیروان، هر مزد و فرزندش خسرو دوم ملقب به خسرو پرویز بر تخت سلطنت نشستند که رونق معماری و هنرهای زیبا و موسیقی و نیز تدوین روایات حماسی در دوره خسرو پرویز شکل گرفت. «مرگ خسرو موجب قلیان هوی و هوس و طغیان حرص و آز شد و قدرت دودمان پادشاهی به علت سلطنت بی‌دوام و مستعجل جانشینان خسرو ضعیف و بی‌مایه گشت» (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۶۴۵).

وقتی بزرگان و دین مردان ارشد زردشتی، یزدگرد پسر شهریار و نواده خسرو پرویز را با نام یزدگرد سوم به پادشاهی نشانند؛ نامی و هرج و مرج تمام کشور را فراگرفته بود و

نیروی جوان و تازه نفس عربان مسلمان نیز قدرت خود را در مرزهای قلمرو ساسانی متمرکز می‌کرد و بعد از درگیری‌های ارتش ساسانیان با سپاه اسلام و بعد از کشته شدن یزدگرد سوم، سلسله ساسانی و دوران باستانی ایران به پایان راه خود رسید و فرزندان یزدگرد هم نتوانستند قدرت از دست رفته ساسانیان را بازگردانند.

به طور کلی دو چیز باعث امتیاز دولت ساسانی از دولت‌های پیشین است: ۱- تمرکز قوا ۲- ایجاد دین رسمی. اگر عمل نخستین را بازگشت به سنت‌های زمان داریوش هخامنشی بشماریم، عمل دوم را باید از ابتکارات ساسانیان در تاریخ ایران بدانیم.

دستگاه عظیم اداری دولت ساسانیان، یادگار عهد اشکانیان محسوب می‌شد با این تفاوت که پادشاهان نخست ساسانی تشکیلات اداری مملکت را دارای قوام و ثباتی کردند که تا آن زمان وجود نداشت و رشته محکمی بین حکومت‌های ولایتی و دولت مرکزی ایجاد نمودند. در آن زمان انتخاب پادشاه، مخصوص عالی‌ترین طبقه روحانی و جنگیان و دبیران^{۱۲} بود و در صورت وجود اختلاف میان آنان، این امر بر عهده موبدان بود. آن‌ها وظیفه پر افتخار تاج‌گذاری را نیز بر عهده داشتند که این امر به روشنی موقعیت روحانیان زردشتی آن عهد را آشکار می‌سازد. با استناد به کتاب دینکرد و شرح صفات و تکالیف پادشاه از دید روحانیان عهد ساسانی^{۱۳} تلاش روحانیان برای آمیختن سلطنت و دیانت به خوبی آشکار است.

۴.۲ دین ساسانیان و ادیان دیگر در این دوره

اردشیر بابکان دین زردشتی را به صورت دین رسمی قرار داد. علاوه بر آن، آیین مسیحیت، مانوی و مزدک نیز در این دوره حضور دارند. با این‌که شاهنشاهی ساسانی از زمان تاسیس با تمایلات دینی به‌وجود آمد و توسعه یافت، ایجاد پیوند عملی میان دولت و نهاد دین تا اوایل سده چهارم میلادی به طول انجامید. «کرتیر در سیاست دینی دوره ساسانی نقش مهمی داشته است و با توجه به مضمون سنگ نوشته‌های او نشانه‌های قدرتش را می‌توان درک کرد (آموزگار، ۱۳۸۶: ۴۰). علاوه بر نفوذ کرتیر در حکومت ساسانی و تلاش او برای دین محوری این حکومت، سنگ نگاره‌های بازمانده از پادشاهان ساسانی نیز بیانگر تمایلات دینی آنان است به طوری که آن‌ها در بندهای آغازین کتیبه‌ها خود را بنده اورمزد نامیده، سلطنت و کامیابی‌های خود را از خواست او می‌دانند برای نمونه در کتیبه اردشیر بابکان و هرمزد در نقش رستم؛ اردشیر، بغ مزدیسن که چهر از ایزدان دارد معرفی شده

است. در کتیبه شاپور سکان شاه در پرسپولیس علاوه بر این که شاهان شاه بیان می‌دارد که چهر از ایزدان دارد در بند ۹ این کتیبه اشاره می‌کند که فرمان انجام اعمال نیک را برای خشنودی ایزدان می‌دهد: «او اعمال نیک برای ایزدان فرمود کردن».^{۱۴}

روحانیان با دخالت در امور عرفی، به آن جنبه مقدس و دیانتی می‌بخشیدند و در تمام امور زندگی افراد حق مداخله داشتند و همه چیز تحت سرپرستی روحانیان بود و عموم مردم آن‌ها را مقدس شمرده و احترام می‌گذاشتند. کرتیر در کتیبه کعبه زردشت به نکاتی اشاره دارد که بیانگر قدرت بی حد و اندازه او در دوران بهرام شاه است او در این بند علاوه بر بازسازی آتشکده‌ها از اعمالی دم می‌زند که فراتر از وظیفه موبدان است:

من از زیان و غارت کردن نگذشتم و هرکس هرآنچه غارت کرده بود آن را نیز بستدم و باز به شهر خویش قرار داده شدند. و من دین مزدیسن و مغ مرد خوب را در شهر محترم و دارای ارج کردم و مرد بدعت گذار و خرابکار را که در مغستان از دین مزدیسن و اعمال مربوط به ایزدان با تبیین دفاع نکرد ایشان را مجازات کردم ملامتشان کردم تا آن را نیک گردانیدم. (عریان، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

مسیحیت: از اوایل دوران شاپور دوم، مسئله مسیحیان ایران به موضوعی مهم تبدیل شد و سیاست داخلی و خارجی ساسانیان را تحت تاثیر قرار داد. مسیحیان ایران به ویژه سریانیان در این ایام با نوشتن کتاب‌هایی با عنوان عمومی «اعمال شهدای مسیحی» به تبلیغ بر ضد حاکمیت ساسانیان پرداختند بدون اشاره به این نکته که اعمال ایشان در آن روزگاران خلاف مصالح ایران و ایرانیان و همسو با سیاست‌های توسعه طلبانه روم بوده است (زرین کوب ۱۳۹۳، ۵۱۰: ۲). به هر روی آزار مسیحیان در قلمرو ساسانیان علل سیاسی داشت اما به تدریج دین مردان زردشتی به آن رنگ و بوی دین هم دادند و شاپور برای مقابله با آن‌ها محتاج یاری سازمان زردشتی بود. کرتیر نیز در ۹ و ۱۰ کتیبه کعبه زردشت خود به آزار پیروان ادیان دیگر اشاره می‌کند.

مانویت: ظهور مانی در اوایل سده سوم میلادی در ایران همزمان با تلاشی بود که شاهان ساسانی برای ایجاد وحدت دینی آغاز کرده بودند تا از این طریق بتوانند حکومتی منسجم و یکپارچه در ایران ایجاد کند و می‌کوشیدند برداشتی یکسان از آموزه‌های کتاب اوستا آن‌گونه که توجیه کننده حکومت آنان باشد فراهم کنند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۷). دعوت مانی از آغاز پیشرفتی عظیم داشت و در نزد ایرانیان مقبول افتاد (زرشناس ۱۳۸۴، ۱۰۲). مانویت به صورت تلفیقی از همبستگی‌های مسیحیت و اعتقادات ایرانی بیش از هر مذهب

دیگری می‌توانست دو رقیب نیرومند مسیحی و ایرانی را در یک حد بالاتری تلفیق و به صورت واحدی جلوه‌گر سازد که در دسترس همه قرار گیرد و این امر دورنمای بسیار حائز اهمیتی را گشود (ویدن‌گرن ۱۳۵۹، ۴۷). بعد از وفات مانی این فرقه در مواجهه با مخالفت‌هایی که از زردشتیان، عیسویان و... می‌دیدند به صورت فرقه زیرزمینی درآمد و سده‌ها به حیات مخفی خود ادامه داد.

د) **آیین مزدک:** بدعتی است در کیش مزداپرستی که در عهد ساسانیان و در زمان فرمانروایی قباد آغاز شد. علت شیوع و گسترش این نهضت مذهبی - اجتماعی را باید در ساختار بسیار محکم ستی و قانون مند جامعه طبقاتی و اشراف سالار ساسانی و اوضاع نابسامان و آشفته اقتصادی - سیاسی ایران در آن برهه از تاریخ جستجو کرد (باقری ۱۳۸۵، ۱۲۳). بخش دینی تعالیم مزدک ظاهراً بر اساس پاره‌ای از افکار مانوی بنا شده است و به همین جهت بعدها اغلب نویسندگان عرب و یونانی مزدکیان را نوعی فرقه مانوی تصور کرده اند» (کلیما، ۱۳۵۹: ۲۰۶). مواعظ مزدک برای کاستن امتیازات طبقات بالا و تعدیل و تغییر قوانین به سود طبقه پایین بوده است از جمله توزیع ثروت از طریق تقسیم اراضی بزرگ، ادغام آتشان مقدس و کاستن از تعداد آتشکده‌ها، ساده کردن سازمان بندی دستگاه دینی زردشتی، کاستن قدرت و نفوذ روحانیان» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۲۸). از آنجا که جنبش مزدک یک جنبش اجتماعی اقتصادی به شمار می‌آمد؛ موقعیت نجبا و موبدان را بسیار متزلزل کرد.

۵.۲ اندرزهای عهد ساسانی

خرد و خردورزی مقوله ایست که در بیشتر ادیان و مکاتب به جایگاه رفیع آن اشاره شده و از اهمیت آن سخن رفته است و بازتاب آن را می‌توان در آثار نویسندگان و شعرای این مرز و بوم به کرات یافت. نمونه‌های بی بدیلی از معارف مزدیسناپی و ادبیات دوره میانه نیز به موضوع خرد و اندیشه پرداخته‌اند. ساسانیان میراث دار پیشینیان خود در فرهنگ باستانی ایران زمین بودند و در این زمینه آثار مهمی چون اندرز خسرو قبادان، جاویدان خرد، مینوی خرد و... به این دوره منسوب است. حکمت‌ها و اندرزها همیشه حاوی مطالب اخلاقی نیستند بلکه گاهی به شیوه عمل مانند مهارت‌های شغلی و رفتار حرفه‌ای توصیه می‌کنند. در واقع اندرز فقط می‌کوشد تا روش‌های تسهیل در عمل، کردار، ادب و نزاکت را آموزش دهد.

در روزگار ساسانیان، اندرزها به صورت دستورالعمل‌های اخلاقی و رفتاری در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درآمد و از طریق سخنان حکمت‌گونه و پندآمیز در نوشته‌ها انعکاس یافت و با تالیف آثار بسیاری از جمله کتاب‌ها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی به اوج خود رسید.

هر اندرز مبتنی بر هنجارهای اجتماعی، چکیده و فشرده‌ای است از آداب، رسوم و جوه مختلف حیات جامعه و تفکر قومی. بنابراین، برداشت و جهان‌بینی فرهنگ‌های بشری را در هر جا در بردارد (مزدایور، ۱۳۸۶: ۱۶). آثار اندرزگونه را می‌توان از لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و عملی - تجربی تقسیم کرد که غالب اندرزها در یکی از این دو دسته جای می‌گیرند.

اندرزهای برجای مانده از دوره ساسانی از لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و عملی - تجربی تقسیم می‌شود که در زمان سلطنت هر پادشاه و به نسبت عملکرد و تاثیر او بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تسامح یا سخت‌گیری مذهبی‌اش در آن دوره، نوع و محتوای اندرزها با یکدیگر متفاوت است. به عنوان نمونه در دوران شاپور اول که با تسامح نسبت به دیگر ادیان برخورد می‌شود؛ اندرزهای فراوانی در باب دین مانی و پذیرش آن بیان می‌شود و از سوی دیگر موبدان به دلیل مقابله با آن و ترویج دین بهی به نگارش اندرزهای دینی پرداختند تا جایی که کتیبه کرتیر، موبد این عصر در کعبه زردشت که شرح عملکرد دینی اوست نگاشته می‌شود و یا در زمان شاپور دوم، اندرزهای آذرباد مهراسپندان به منظور کم کردن از فشار تبلیغات مسیحیان و مانویان به نگارش در می‌آید.

از آنجایی که زمان دقیق نگارش و نگارنده بسیاری از اندرزهای دوره ساسانی مشخص نیست؛ تنها با مطالعه محتوای اندرزها می‌توان به اوضاع اجتماعی حاکم در دوره نگارش اندرز پی برد.

۱.۵.۲ نمونه اندرزها

الف) اندرزهای دینی: این اندرزها احکام دینی مندرج در اوستا را با لحنی اندرزگونه بازگو می‌کند و به نوعی تعالیم دینی موبدان است که از زبان خود آن‌ها و یا از طرف آن‌ها بیان می‌شود:

- توصیه به یزش و نیایش

دین محوری و نفوذ دین زردشتی از طریق موبدان در دربار ساسانی سبب شد تا نه تنها در کتیبه‌های ساسانیان که شباهت زیادی به کتیبه‌های هخامنشی دارد^{۱۵} بلکه در نوشته‌های برجای مانده از آن دوران نیز ستایش اورمزد و امشاسپندان و دیگر ایزدان دین زردشت در راس امور و سرآغاز کتیبه‌ها قرار گیرد.

در ده اندرز زرتشت به روایت آذرباد مهراسپندان از ستایش شایسته اورمزد و ایزدان مینویی سخن به میان می‌آید که با لحنی اندرزگونه و تعلیمی بیان می‌شود^{۱۶}:

(۱۱) دهم اینکه یکی برای سپاس داری برای ارزانی آمدن [و شایستگی یافتن] برای نیکی [و نعمت] تازه، یزش و نیایش و پرستش دادار اورمزد و امشاسپندان [و] دیگر ایزدان مینویی [باید کردن]

11) dahom ēn ka {ēk spāsdārīh ī pad ān ī madan arzānīgīh ī pad ān ī nōg nēkīh rāy yazišn ud niyāyišn ud paristišn ī dādār ohrmazd u amahraspandān, abārīg yazadān ī mēnōgānī. (مزدایور، ۱۳۷۸: ۱۵۵)

و مشابه این اندرز در بند هفتم فصل پایانی یادگار زیران به صورت «پیروز و پیروزی با دادار اورمزد را، نماز به زردشت سپیتمان که آورد دین به پاک مزدیسنی را و رواج داد به یاری گشتاسب شاه، زیریر و اسفندیار» (Jamasp-Asana 1913, 17) بیان شده است و در بزرگداشت سور آفرین بعد از ستایش اورمزد به عنوان بزرگترین خدای ایزد مینوی و گیتی، هفت امشاسپند را می‌ستاید:

شایسته هرگونه احترام باد این هفت امشاسپند که در گزمان آند؛ هرمزد، بهمن و اردیبهشت و شهریور و سپندارمد و خرداد و امرداد.

4. hamāg zōhr ēn haft amahraspand ī pad garōdmān hēnd ohrmazd wahman ud ardwhišt ud šahrevar ud spandarmad ud hordād ud amurdād

(Jamasp-Asana, 1913: 156)

- پذیرش دین بهی و رواج آن

با توجه به توضیحات مربوط به دین ساسانیان، ظهور مسیحیت و مانویت و نیز نفوذ موبدان زردشتی در امور حکومتی، دور از ذهن نیست که در تمام متن‌های بازمانده از این دوران، دبیران و نویسندگان، تحت نفوذ موبدان، مخاطبان را مستقیم و یا غیر مستقیم به

زردشتی گری و رواج آن ترغیب نمایند به عنوان نمونه در پنج خیم آسرونان از پاداش و پادافراه کرفه‌گران و بزهاکاران برای رواج دین سخن می‌گوید:
۱۱- پنجم برای رواج دین، کرفه‌گران را مزد و بزهاکاران را به داد (مطابق قانون دین) مجازات نهادن

11. panjom rawāg-dēnīh rāy kirbakkarān mizd bazakkarān tōzišn pad dād nihādan.

(Jamasp-Asana, 1913: 130)

و همانند این جمله در فصل ۲۷ بند دهم گزیده‌های زادسپرم مشاهده می‌شود: پنجم برای رواج دین، مزد کرفه‌گران (ثوابکاران) و پادافراه گناهکاران را به داد نهادن (مطابق عدل تعیین کردن) (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۴۹۹).

و در بند یازدهم دینکرد چهارم، مروجان دین بهی را راست پیمان می‌نامد و از پاداش آنان سخن می‌گوید « همچنین کسی که دین یزدان را رواج می‌دهد و در جهان جاری می‌کند؛ بر جهان آن گونه که باید باشد؛ فرمانروایی می‌کند و در میان مخلوقات، فرمانروایی دینی را رواج می‌دهد؛ او راست پیمان است. (Madan, 1911: 410) و در یادگار بزرگمهر به صورت غیر مستقیم خوانندگان را به پذیرش دین زردشتی دعوت می‌نماید:

۱۸۵- کدام دین بهتر است؟ ۱۸۶- آن که ایزدی (خدایی) یزدان، دیوی دیوان، مزد کرفه، مجازات گناه از آن پیداتر باشد و راه و روش درست‌تر (و) کرفه برابر آیین [از آن] پدید آید.

185. dēn kadār weh. 186. ān kē yazdīhī yazdān, dēwīh ī dēwān, kirbag mizd, wināh puhl aziš paydāg-tar ud rāh ud ristag frārōn-tar, kirbag pad dād-tar jast ēstēd. (Jamasp-Asana, 1913: 98)

- مراقبت از روان

در متن‌های فارسی میانه که تحت نفوذ موبدان و به پیروی از تعالیم گاهان و باور به تن پسین و دنیای پس از مرگ نوشته شده است؛ اندرزهای بیشماری با موضوع مراقبت از روان و نجات آن، پالایش روان و تلاش برای رستگاری دیده می‌شود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
دینکرد ششم:

تأثیر اوضاع اجتماعی دوران ساسانی بر شکل‌گیری اندرزهای دینی ۶۹

۸۵- ... موجزترین چیز (سخن) در مورد نجات روان این که: آن‌گونه کنید که ایزد را
یشته (پرستیده) شود نه دیو.

85. ... abar bōzišn ī ruwān pad hangirdīgtom tis ēn kū āōn kunēd kū yazad yašt
bawēd nē dēw. (Madan, 1911:490)

۲۰۷- ... مرد خوشبخت از روان مراقبت می‌کند و مرد بدبخت نه از روان که از تن
مراقبت می‌کند

207. ... farrox mard rumān pahrēzēd duš farrag nē ruwān tan pahrēzēd.

(Madan, 1911: 517)

در بند ۱۹ یادگار بزرگمهر نیز راستی در قالب مراقبت از روان تعریف می‌شود:
راستی این که نسبت به روان خود صادقانه و نافریبکارانه رفتار کند.

19.rāstīh ēd kē ō ruwān ī xwēš rāst ud a-frēftāragīhā rawēd (Jamasp-Asana, 1913: 88)

آذر باد مهر اسپندان نیز در بند ۸۰ و ۹۵ اندرزهای خود توصیه‌هایی برای مراقبت از
روان بیان می‌کند: روان پرسیدار باش تا بهشتی باشی (Jamasp-Asana, 1913: 64).^{۱۷}

ب) اندرزهای در باب حکمت عملی و تجربی: اندرزهایی که صرفاً شیوه درست
زندگی کردن را بیان می‌دارد در این بخش قرار می‌گیرد؛ اما به دلیل دین محوری جامعه
ساسانی تعیین حد و مرز برای نوع اندرزها در این عهد بسیار دشوار و گاهی غیرممکن
است. از این رو عنوان این نوع اندرزها را در عهد ساسانی می‌توان اندرزهای در باب
حکمت عملی و تجربی بر پایه متن‌های دینی نامید.

- نیکوکاری

از عمده توصیه‌هایی که در آموزه‌های زردشت و موبدان به وضوح دیده می‌شود موضوع
نیکوکاریست که غالباً برای انجام آن، پاداشی اخروی در نظر گرفته می‌شود به عنوان نمونه
در بند ۱۳ اندرز اوشنر دانا یکی از راه‌های ورود به بهشت، انجام کار نیک معرفی شده
است: «و یک راه به بهشت رفتن، ایمان راستین [و] کار نیک [است].» (گشتاسب - حاجی
پور، ۱۳۹۳: ۴۴)

در فصل نهم از دینکرد پنجم نمونه‌هایی از نیکوکاری بیان می‌شود:

۱۳- در مورد کارهای نیک که گاهی اهمیت آن‌ها آشکار است و گاهی مهم تر هستند. برترین آن‌ها به ویژه این [است]: دوست داشتن ایزدان، دوست داشتن خداوندگار، داشتن خداوندگار، خدمت کردن به خداوندگار، همه‌گونه آزادگی داشتن، به دینی، دوست داشتن نیکان، دوست داشتن آفریدگان.

13. kirbag čiyōn ka meh dādestānīh paydāg hamē ān ī meh ast ī nāmčīšt ēn yazdān dōstīh ud xwadāy dōstīh ud xwadāy dārīh ud xwadāy paristīh ud hāmīst ērīh ud hu dēnīh ud weh dōstīh ud abārīg ī padīag ān ī abar wināh guft paydāg (Madan, 1911: 433)

و در اندرز یادگار بزرگمهر، نیک‌نام‌ترین فرد، نیکوکارترین فرد معرفی می‌شود که باتوجه به وزارت بزرگمهر در زمان خسرو انوشیروان می‌توان این نوع از اندرز را بیانگر اقدامات اجتماعی اصلاح طلبانه او دانست:

۱۴۱- چه کسی نیک‌نام تر است؟ ۱۴۲- آن که نیکی کردن به مردمان را داد(مندانه) تر بدارد (برای نیکی کردن به مردم حقانیت بیشتری قائل باشد).

141. kē husraw-tar. 142. ān kē nekīh pad mardōmān kardan pad dād-tar dārēd. (Jamasp-Asana, 1913: 95)

و در اندرز پوریوتکیشان با لحنی تعلیمی مخاطبان را به انجام کار نیک دعوت می‌نماید: ۵۸- اقدام به کار خوب و کار نیک از کوشش زاید از بخشش نیز بخشش؛ از خواهش، خواهش؛ از مرگ، مرگ؛ از مینو، دانش. آن دانشی نیرومند (مهارت) است که هست، بود (و) باشد.

58. ud hu-kunišnīh, nek-kunišnīh warzīh, az tuxšīšn zāyēd, az dahišn-iz dahišn az xwāhišn xwāhišn, az oš ošīh, az menōg dānišn. ān dānišn ī abzār kē ast, būd ud bēd.

(Jamasp-Asana, 1913: 50)

از نمونه های دیگر توصیه به نیکوکاری می‌توان به جملات و عبارات درج شده در روایات پهلوی- فصل ۹: بند ۱۶ (Dhabhar, 1913: 25)، مینوی خرد- پرسش ۳ (آموزگار- تفضلی ۱۳۸۲، ۹۱) و اندرز آذرباد مهراسپندان- بند ۳۷ (Jamasp-Asana 1913, 148) اشاره کرد.

- پرهیز از دروغ و دروغ‌زنی

از مواردی که برای درست زیستن و مراقبت از روان و در نهایت خشنودی دادار اورمزد توصیه شده است راست‌گویی و پرهیز از دروغ‌زنی است که نه تنها در اوستا و ادبیات برگرفته از آن بلکه در کتیبه‌های هخامنشی نیز به وضوح دیده می‌شود. در بخشی از در ستون چهارم کتیبه بیستون داریوش بزرگ از جانشینان خود با لحنی اخلاقی و اندرزگونه می‌خواهد که از دروغ و دروغگو دوری کنند^{۱۸}. و در آموزه‌های اوستا نیز اشاره‌های بسیاری به پرهیز از دروغ شده است برای نمونه در بند ۳ یسن ۴۳: «همانا راستی برای سود رساندن (مردمان) برای این گزینش مقدر شده است. دروغ برای زیان رساندن (مردمان) برای این کیش» (monna, 1978: 40). بنابر اندرزهای فارسی میانه راست‌گویی و پرهیز از دروغ را باید از مهم‌ترین آداب سخن‌گفتن به شمار آورد مفهوم سخن‌راست در متن‌های پهلوی سخنی است که درست و مبتنی بر حقیقت و به خلاف دروغ و ناراستی است (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۱: ۷۰). چنانچه در اندرز آذرباد مهراسپندان آمده است: ۳۷- به کسی نیز دروغ مگو. ۴۰- نه برای راست و نه برای دروغ سوگند مخور

37. kas-iz rāy drō ma gōw. 40. nē pad rāst ud nē pad drō sōgand ma xwar. (Jamasp-Asana 1913, 61)

و در بند ۹۷ اندرز فوق نیز به پرهیز از همنشینی با دروغ‌زن توصیه شده است (Jamasp-Asana, 1913: 66). و در فصل ۲۷ گزیده‌های زادسپرم به نیندیشیدن به دروغ اشاره می‌شود (راشد محصل ۱۳۸۵، ۴۹۹). و در دینکرد ششم دروغ به عنوان بدترین چیز یاد می‌شود:

B7- این نیز پیداست که بهترین چیز راستی و بدترین چیز دروغ است.

B7. ēn-iz paydāg kū pahlom tis rāstīh ud watton tis drōzānīh

(Madan, 1911: 549)

در بند ۱۵ یادگار بزرگمهر نیز دروغ‌زنی از نشانه‌های اندیشه بد معرفی شده است (Jamasp-Asana, 1913: 88) و در بند ۳۳ اندرز آذر باد مهراسپندان نیز پرهیز از دروغ را دلیلی برای خوش‌نامی و مراقبت از روان می‌داند (Jamasp-Asana, 1913: 148).

از دیگر اندرزهایی که ذیل تقسیم‌بندی در بخش حکمت عملی و تجربی بیان می‌شود اما در آن‌ها می‌توان تمایلات و گرایش‌های دینی نویسندگان را آشکارا دید و آن‌ها را نیز

برگرفته از آموزه‌های اوستا دانست موارد زیر است: دعوت به توبه مانند دینکرد ششم بند E31d- شخص باید در روزگار (= در زندگی) از هر گناه و تقصیری که مرتکب شده است با این اندیشه که دیگر نکنم از آن پشیمان و به توبه باشد (Madan, 1911: 581). توصیه به انجام خویدوده (ازدواج با نزدیکان) مانند فصل هشتم از روایات پهلوی بند 3-0 به خویدوده کردن کوشا باش و دیگران را نیز کوشا کن (Dhabhar 1913, 21)، توصیه به شکیبایی و توکل مانند بند ۷۳ در دینکرد ششم:... در بدبختی و سختی که به شما می‌رسد مقاوم و استوار باشید چه مرد نامقاوم در برابر بدبختی، خویش دیوان باشد (در تملک دیوان باشد) (Madan 1911, 486)

موضوعات دیگری چون پرهیز از مال دوستی، خرسندی در امور، پرهیز از حرص و پرخوری و اعتقاد به بهشت، دوزخ و پاداش و پادافراه‌های آن، دعوت به توبه و اشاره‌های بسیار به گذرانی دنیا و رسیدگی به امور مینویی بیش از امور گیتی نیز حجم بسیاری از اندرزهای این دوره را در بر می‌گیرد که حاکی از وجود مشکلات اقتصادی و تضاد طبقاتی در جامعه ساسانی است.

۳. نتیجه‌گیری

طبق آثار اندرزی به جا مانده از کتیبه‌های هخامنشی، اوستا^۹ و کتیبه‌های شاهان ساسانی و کتاب‌های بازمانده از این دوران آشکار است که ایرانیان همواره علاقه و دلبستگی فراوانی به سخنان و نوشته‌هایی با مضامین اخلاقی داشته‌اند اما به دلیل آغاز سنت کتابت در عهد ساسانی، آگاهی ما از ادبیات اندزی بیشتر از این دوران است.

زردشتی‌گری ساسانی در جامعه‌ای که تحت نفوذ همه جانبه موبدانی چون کرتیر، تنسر و آذرباد مهراسپندان بود علاوه بر اندرزهای دینی این دوره که بخش مجزایی را در متن‌های پهلوی به خود اختصاص داد؛ در دیگر متن‌های اندرزی نیز رد پای آشکاری از خود به جای گذاشته‌است به گونه‌ای که تعیین حد و مرز مشخص میان اندرزهای دینی و اندرزهای حکمی و تجربی در این گونه متن‌ها مشخص نیست.

کوشش بر آن بوده تا در این پژوهش اندرزهایی برگزیده شود که در آن اندرزنامه نویسان با لحنی پند گونه و به دور از اجبار، ضمن آموزش مباحث دینی و راه و روش درست زیستن، مخاطب را به اجرای دستورات دینی و توصیه‌هایشان در راستای سیاست شاهان و موبدان ساسانی ترغیب نمایند.

با توجه به موارد مذکور و گرایش‌های دینی و تسامح برخی از شاهان ساسانی و در پی آن نفوذ و تسلط همه جانبه موبدان و روحانیان زردشتی بر پادشاهان و نیز بر اوضاع سیاسی- مذهبی و فرهنگی آن دوره، نفوذ موبدان در تحریر متن‌های اندرزی این دوران غیر قابل انکار است چنانچه در جملات اندرزی این دوره دیدیم که اندرزا تماماً با رویکرد دینی بیان شده و حتی در نمونه اندرزهایی هم که در باب حکمت عملی و تجربی نوشته شده رد پای آموزه‌های اوستا و زردشتی‌گری ساسانی به وضوح آشکار است. این بدان معناست که موبدان عصر ساسانی نه تنها سعادت دنیای پس از مرگ بلکه کامیابی دنیوی را در پذیرش دین بهی و عمل به تمام آیین‌های برآمده از اوستا که خود معلم آن بودند؛ می‌دانستند. از این رو فرضیه دوم قابل پذیرش است. و در تایید فرضیه نخست باید گفت موبدان برای مستحکم تر کردن پایه‌های قدرت و نفوذ خود در دولت و جامعه ساسانی و برای مجادله با دیگر ادیان رایج در آن دوره و از روی ۲۱ نسک اوستا، دست به تالیف متن‌های حقوقی و اندرزی و... زدند که به دلیل نفوذ و سلطه کامل دین زردشت در آن عهد، بیشتر این متن‌ها نیز رنگ و بوی آموزه‌های زردشت و زردشتی‌گری آن عصر را دارد و حتی اندرزهایی که موبدان نوشته‌اند و پدری به پسر یا بزرگی یا دانایی و یا حتی پادشاهی به دیگران نوشته است نیز از این امر مستثنی نیست و شاید هدف آنان از این نوع نگارش، قداست بخشیدن به سخنانشان بوده تا اندرزهایشان در جامعه دین محور آن عصر در معرض نابودی، بی توجهی و یا فراموشی قرار نگیرد.

این دلایل سبب شد تا اندرزنامه‌های دینی ساسانی همچون تاجی بر تارک ادبیات باستان و ادبیات زردشتی بدرخشد؛ اما باید بازهم یادآور شد که این مهم بدون موافقت و تسامح پادشاهان ساسانی نسبت به گسترش سلطه و نفوذ موبدان زردشتی هرگز امکان پذیر نبود و اینجاست که باید گفت جامعه و دین حاکم بر آن، در شکل‌گیری ادبیات تعلیمی و در پی آن متن‌های اندرزی هر دوره نقشی موثر و مستقیم دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری با عنوان اندرزنامه نویسی در ایران باستان است.
۲. رک ← کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت، عریان ۱۳۸۲، ۴۹-۵۲، کتیبه نرسی در پایکولی، عریان ۱۳۸۲، ۱۲۶، کتیبه شاپور در حاجی‌آباد: ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۱۶۱-۱۶۳. و نیز با توجه به اینکه ساسانیان دین زردشتی را به عنوان دین رسمی کشور برگزیدند و با استعانت از آن به

تمرکز قوا و وحدت ملی دست یافتند گمان می رود که در ظاهر و در جهت پیشبرد اهداف خود آموزه های اوستا را سرلوحه کارها و اقدامات خویش قرار دادند ازین رو می توان از اوستا و متن های برآمده از آن به عنوان منابع مذهبی مورد استفاده در شناخت جامعه ساسانی و نظام طبقاتی موجود در آن نام برد به عنوان مثال در هات ۸ بند ۷ و ۲۸ (رک ← دوستخواه، ۱۳۷۱: ۱۳۴ و ۱۴۲) و نیز در یسنا هات ۳۳ بند ۳، هات ۴۶ بند ۱ و یشت ها کرده ۲۴ بند ۸۹ (رک ← پورداود، ۱۳۵۵: ۷۵-۵۲-۸۹) جامعه ای همانند جامعه ساسانی ترسیم شده است. و می توان حدس زد که احتمالاً ساسانیان طبقات اجتماعی را به تقلید از طبقه بندی های موجود در اوستا تشکیل داده اند.

۳. رک ← فره وشی، ۱۳۸۲: ۴-۱۱

۴. از قول اردشیر نقل شده که گفته بود « من خون دارا را طلب کنم و این ملک را باز به جای خویش برم و دست ملوک الطوائف کوتاه کنم و ستم اسکندر را از ملک بردارم» (تاریخ بلعمی، ۱۳۴۱: ۸۷۴)

۵. رک ← کتیبه شاپور در حاجی آباد: ابوالقاسمی ۱۳۸۵، ۱۶۱-۱۶۳

۶. کرتیر برای نشان دادن اوج قدرت خود کتیبه کعبه زردشت را در حدود سی سال بعد، در زیر تحریر فارسی میانه کتیبه بزرگ شاپور می نگارد. رک ← کتیبه کرتیر در کعبه زردشت (عریان، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

۷. رک ← کتیبه کرتیر در نقش رجب، بند ۱۳-۲۲ (عریان ۱۳۸۲، ۱۶۶-۱۷۵)

۸. کتیبه های کرتیر در مجموع دو موضوع کلی را در بردارند نخست بر شماری القاب و عناوینی که وی از پادشاهان گرفته و نیز کارهایی که در آن زمان انجام داده است که در بخش شناسایی بیشتر جامعه ساسانی می تواند یاری گر باشد و دوم شرح معراج و یاری ایزدان به او که در بخش ادیان دوره ساسانی خواهد آمد.

۹. نام آذر باد مهر اسپندان که تنها حدود سی تا چهل سال پس از کرتیر می زیسته است بارها در کتاب های پهلوی به عنوان یک شخصیت بزرگ مذهبی آمده است و اندرزه های بسیاری از او به جای مانده است؛ در حالی که از کرتیر جز در کتیبه ها نام و یادی نیست.

۱۰. رک ← زرین کوب ۱۳۹۳، ۵۱۴: ۲

۱۱. رک ← دینکرد ۵ فصل ۴ بند ۳

۱۲. در نوعی دیگر از تقسیم بندی جامعه ساسانی، دبیران یکی از طبقات جامعه ساسانی به شمار می آمدند و نقش مهمی در نگارش متن های عهد ساسانی بر عهده داشتند چرا که علاوه بر کتیبه های شاهان ساسانی، مکتوبات بسیاری از جمله اندرزنامه ها از این دوره باقیست که حضور دبیران و نقش آنان را در نگارش یا گردآوری و نگهداری این متن ها نمی توان نادیده گرفت.

۱۳. رک ← کریستن سن ۱۳۷۲، ۳۵۹
۱۴. رک ← کتیبه شاپور سکان شاه در پرسپولیس بند ۹-۱۲، عریان ۱۳۸۲، ۱۵۱-۱۵۴
۱۵. برای نمونه رک ← ستون پنجم کتیبه داریوش (۷۳DBV: ۱۸-۲۰)
۱۶. نگارنده برای ترجمه متن‌های پهلوی از فرهنگ کوچک زبان پهلوی تألیف مکنزی و فرهنگ لغت از نیبرگ بهره گرفته است.
۱۷. و نیز رک ← اندرزهای پیشینیان - بخش ۱/ دینکرد ششم بند ۸۵
۱۸. رک ← (کنت ۱۳۷۹، ۴۳۴)
۱۹. رک ← پایان نامه مقطع دکتری نگارنده با عنوان «اندرزنامه نویسی در ایران باستان»، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، زمستان ۱۳۹۴.

کتاب‌نامه

- آلتهایم. فرانتس و روت استیل (۱۳۸۲)، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، *گزارشی ساده از سنگ نوشته های کرتیر*، صص ۳۹-۵۵. بخارا، شماره ۶۴
- آموزگار، ژاله. و احمد تفضلی (۱۳۸۶). *کتاب پنجم دینکرد*. تهران: معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۲). *یادگار زیریران*. تهران: معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷). *زبان، فرهنگ و اسطوره*. تهران: معین
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۵). *راهنمای زبان‌های باستانی ایران*. ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- باقری، مهری (۱۳۸۵). *دین‌های ایران باستان*. تهران: قطره.
- بلعمی، ابو علی محمد بن محمد (۱۳۴۱). *تاریخ بلعمی*. تصحیح محمد تقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ
- پورداد، ابراهیم (۱۳۵۵). *اوستا*. تهران: مروارید
- تفضلی، احمد (۱۳۷۰)، *کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی*، صص ۷۲۱-۷۳۶. یکی قطره باران جشن نامه استاد زریاب خوبی
- تفضلی، احمد (۱۳۹۱). *مینوی خرد*. تهران: توس.
- جاماسب آسانا، ج.م (۱۳۷۱). *متون پهلوی*. گردآورنده سعید عریان. تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲). *ساسانیان*. تهران: توس

- دریایی، تورج (۱۳۹۲). *امپراتوری ساسانی*. تهران: فرزانه روز
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۳). *تاریخ تمدن*. ج ۴ بخش اول: عصر ایمان. ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران. تهران: اقبال.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱). *اوستا*. تهران: مروارید
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۵). *وزیله‌های زادسپرم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۴). *میراث ادبی روایی در ایران باستان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرین کوب، روزبه (۱۳۸۱). *تاریخ ایران باستان - تاریخ سیاسی ساسانیان*. تهران: سمت
- زرین کوب، روزبه (۱۳۹۳). *تاریخ سیاسی ساسانیان در تاریخ جامع ایران*. ج ۲. تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- سرافراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی و هنر ایران در دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی*. تهران: مارلیک
- فرو و شی، بهرام (۱۳۸۲). *کارنامه اردشیر بابکان*. تهران: دانشگاه تهران.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی - پارتی*. تهران: معاونت پژوهشی میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۳). *فرشته روشنی، مانی و آموزه‌های او*. تهران: ققنوس.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۲). *بررسی دینکرد ششم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کرتیس، وستا سرخوش و سارا استوارت (۱۳۹۲). *ساسانیان*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر مرکز
- کریستین سن، آرتور (۱۳۷۲). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- کریمیان، حسن (۱۳۹۳). *اوضاع اجتماعی در دوره ساسانی در تاریخ جامع ایران*. ج ۳. دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- کلیما، اوتا کر (۱۳۵۹). *تاریخ جنبش مزدکیان*. ترجمه جهانگیر فکری ارشاد. تهران: توس.
- کنت، رونالد ج (۱۳۷۹). *فارسی باستان*. ترجمه سعید عریان. تهران: حوزه هنری.
- گشتاسب، فرزانه و نادیا حاجی پور (۱۳۹۱). «*خلاق و آداب سخن دانی در اندرزنامه‌های فارسی میانه، فصلنامه زبان‌شناخت*»، صص ۶۹-۸۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- گشتاسب، فرزانه و نادیا حاجی پور (۱۳۹۳). *اندرز اوشنردانا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- مزدایور، کتابون (۱۳۷۸). *داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید گلشاه و متن‌های دیگر*. تهران: آگه.
- مزدایور، کتابون (۱۳۸۶). *اندرزنامه‌های ایرانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

تأثیر اوضاع اجتماعی دوران ساسانی بر شکل‌گیری اندرزهای دینی ۷۷

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۸۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Dhabhar, B.N. ed (1913). The pahlavi Rivayat accompanying The Dātistān- i -dīnīk, Bombay.

Jamasp-Asana, J.M (1897-1911) Pahlavi Text. Bombay.

Kent Kent, Ronald.G (1961). Old Persian Grammer. new haven: American Oriental Society.

Madan, D.M. ed (1911). The Complete Text Of Pahlavi. Dinkard. Bombay.

Monna, Maria Cornelia (1978). The Gathas of Zarathustra. Amsterdam Netherlands.

Nyberg, H (1974). A Manual Of Pahlavi. 2 vols. Wiesbaden..

Shaki Mansour (2011). CLASS SYSTEM iii. In the Parthian and Sasanian Periods. p 652-668

